

آموزه های تربیتی از منظر امام صادق (علیه السلام)

<"xml encoding="UTF-8?">



مقدمه

پاسدار حریم ولایت، امام جعفر صادق (ع) در هفدهم ربیع الاول سال 83 ه.ق در مدینه دیده به جهان گشود. (1) دوران امامتش از سال 114 ه.ق شروع شد و مقارن بود با خلافت پنج تن از خلفای اموی و دو طاغوت عباسی، آن بزرگوار در 25 شوال سال 148 ه.ق در سن 65 سالگی توسط منصور دوانیقی مسموم شد و پیکر مطهرش در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد. (2)

در زمان امامت آن حضرت بر اثر جنگ و ستیزهای بنی عباس برای براندازی حکومت بنی امیه و درگیری شدیدی که آن‌ها با یکدیگر داشتند، فضای مناسبی برای ایشان فراهم شد.

آن امام همام در این فرصت توانست وسیع‌ترین دانشگاه اسلامی را پی‌ریزی کند و در این راستا توفیقات سرشاری به دست آورد، به طوری که حدود 4 هزار نفر از مجلس درس او با واسطه و بدون واسطه استفاده می کردند و بسیاری از آنان به مقامات عالی علمی و فقهی نایل شدند. امام صادق (ع) توسط شاگردانش دستورالعمل‌های فردی، اخلاقی، اجتماعی و تربیتی را به مسلمانان آموزش داد و از این رهگذر موفق گردید که مکتب اهل بیت (ع) را به جهان معرفی کند. رهنمودهای راهگشای آن بزرگوار در زمینه فردی، اجتماعی، سیاسی، تربیتی و... برگ زرینی در تاریخ شیعه می باشد که در این نوشتار به بیان آموزه‌های تربیتی آن خواهیم پرداخت. امید است که ره توشه ای باشد برای پویندگان راه امامت و ولایت.

دعوت به پیروی از اخلاق حسنه

نیاز به اخلاق حسنه یک نیاز بشری و انسانی است و به جامعه خاصی اختصاص ندارد. حسن خلق آن قدر عظمت و ارزش دارد که هر کس به عمق و ژرفای آن نمی رسد، چنان که امام صادق (ع) فرمود: «لایکون حسن الخلق الا فی کلّ ولیّ و صفیّ و لایعلم ما فی حقیقه حسن الخلق الا الله تعالی؛ (3) حسن خلق یافت نمی شود مگر در وجود دوستان و برگزیدگان خداوند و آن چه در حقیقت خلق نیکوست، جز خداوند متعال کسی نمی داند.» رئیس مکتب جعفری نه تنها به بیان اهمیت و ارزش اخلاق بسنده نکرده، بلکه در سیره خود برای ثمربخش بودن آن در جامعه به بیان موارد و مصداق‌های عینی آن نیز پرداخته است تا مسأله مذکور، ملموس‌تر و محسوس‌تر شود. از آن حضرت در مورد مکارم اخلاق سؤال شد، فرمود: «العفو عمنّ ظلمک و صلة من قطعک و اعطاء من حرّمک و قول الحقّ ولو علی نفسك؛ (4) گذشت از کسی که به تو ستم روا داشته است و ارتباط داشتن با کسی که با تو قطع رابطه کرده است و عطا نمودن به کسی که تو را محروم ساخته و گفتن سخن حق هر چند به ضرر تو باشد.»

صادق آل محمد (ص) در ادامه این موضوع به ثمرات و فواید اخلاق نیک اشاره نموده است و می فرماید: «حسن الخلق یزید فی الرزق؛ (5) خوی نیک باعث افزایش روزی می شود.» در روایتی دیگر شیعیان را به خوش رفتاری با خانواده سفارش نموده و آن را موجب طولانی شدن عمر می داند و می فرماید: «من حسن برّه فی اهل بینه زید فی عمره؛ (6) هر کس با خانواده خود، خوش رفتاری کند، عمرش طولانی می شود.»

هم چنین رعایت اصول اخلاقی و توجه به آداب انسانی و خوش برخوردی را از ویژگی های مکتب تشیع دانسته و آن را بر شیعیان راستین لازم شمرده و بر اجتناب از بد خلقی تأکید نموده است.

بیدارسازی وجدان‌ها

آموزه‌های الهی نشان می دهد که انسان هر چند ممکن است در ظاهر حقایق را فراموش کند، اما از درون هرگز دچار فراموشی حقایق نمی شود و با مخاطب قرار دادن درون و فطرتش می توان او را نجات داد. قرآن کریم در این زمینه می فرماید: «ولئن سألتهم من خلق السموات و الارض و سخر الشمس و القمر ليقولنّ الله...؛ (7) اگر از آن‌ها بپرسی که چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفرید و خورشید و ماه را به تسخیر درآورد، به یقین می گویند خدا.»

این روش را در سیره امام صادق (ع) هم می بینیم؛ روشی که در آن، امام از مخاطبش می خواهد که خود را در موقعیت فرض شده ببیند و بفهمد که فطرتش چه می جوید و چه می خواهد؟ مردی به خدمت آن حضرت آمد و گفت: ای فرزند رسول خدا! مرا با خدا آشنا کن. خدا چیست؟ مجادله کنندگان

بر من چیره شده‌اند و سرگردانم نموده‌اند. امام فرمود: «ای بنده خدا! آیا تا به حال سوار کشتی شده‌ای؟ گفت: آری. فرمود: آیا شده که کشتی بشکند و کشتی دیگری برای نجات تو نباشد و امکان نجات با شنا را هم نداشته باشی. گفت: آری. فرمود: در چنین حالتی به چیزی که بتواند از آن گرفتاری تو را نجات دهد، دلبسته بودی؟ گفت: آری. فرمود: آن چیز همان خداست که قادر بر نجات است، آن جا که فریادرسی نیست، او فریادرس است.» (8)

تشویق به تفکر

کاربرد روش عقلانی در نظام فکری اسلام جایگاه مهمی دارد. به کارگیری قدرت تعمق و تفکر به عنوان ابزار معرفت صحیح و هدایت گر انسان به سوی پیشرفت و تعالی است. اساس تمام پیشرفت‌های مادی و معنوی بشر در طول تاریخ، اندیشه و تعمق بوده است. اگر بشر قرن بیست و یکم از نظر صنعتی و تکنولوژی به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته، بر اثر اندیشه و تلاش بوده است. پیامبران، امامان معصوم (ع) و بندگان صالح خدا همگی اهل فکر و تعقل بوده‌اند. در منزلت ابوذر غفاری امام صادق (ع) فرمود: «**کان اکثر عبادة ابي ذرّ التفكير والاعتبار**» (9) بیش‌ترین عبادت ابوذر، اندیشه و عبرت‌اندوزی بود.»

آن حضرت در سیره رفتاری و عملی خود برای اندیشه و تفکر ارزش والایی قایل بود و زیباترین و رساترین سخنان را درباره ارزش تعقل و تفکر در مسائل دینی بیان فرموده است. ایشان در این زمینه می‌فرماید: «کسی که در دین خدا اندیشه نکند، امید خیری در او نیست. اگر یکی از دوستان ما در دین خود تفقه نکند و به مسائل و احکام آن آشنا نباشد، به دیگران (مخالفین ما) محتاج می‌شود و هرگاه به آن‌ها نیاز پیدا کرد، آنان او را در خط انحراف و گمراهی قرار می‌دهند در حالی که خودش نمی‌داند.» (10)

بهره‌گیری از افراد توانا

ششمین اختر تابناک آسمان ولایت و امامت با ارزیابی قابلیت‌ها و توانمندی‌های شاگردان خود، برخی از آن‌ها را برای پاسخ به سؤالات و گفت و گوهای علمی پرورش داده بود. به عنوان مثال در مباحث کلام و مباحث اعتقادی به ویژه مسائل امامت، افراد ممتاز و برگزیده‌ای، همچون: «هشام بن سالم»، «هشام بن حکم»، «حمران بن اعین» و... را تربیت کرده بود و به موقع از آن‌ها استفاده می‌کرد.

هشام بن حکم می گوید: مردی از شام وارد شد و به امام صادق (ع) گفت: می خواهم چند سؤال بکنم. حضرت پرسید: درباره چه می خواهی بپرسی؟ گفت: از قرآن. امام فرمود: ای حمران! تو جواب بده. مرد گفت: می خواهم با خودتان بحث کنم. امام فرمود: اگر بر او غلبه کردی، بر من پیروز شده ای. مرد شامی آن قدر سؤال کرد و پاسخ صحیح شنید که خسته شد و به امام گفت: حمران مرد توانایی است. هرچه پرسیدم، جواب داد. آن گاه حمران به اشاره امام سؤالی پرسید که او جوابی نداشت.

مرد این بار تقاضای پرسش درباره «نحو» کرد. امام او را به «ابان بن تغلب» حواله داد و در فقه به «زرارة بن اعین» و در کلام به «مؤمن الطاق» و در توحید به «هشام بن سالم» و در امامت به من معرفی کرد و او در تمام موارد مغلوب شد.

امام چنان خندید که دندانهایش ظاهر شد. مرد شامی گفت: گویا می خواستی به من بفهمانی که در میان شیعیان چنین مردمی داری؟ امام فرمود: همین طور است. آن مرد به جرگه شیعیان پیوست. (11) این رویداد بیان گر انسجام و تبلیغ گروهی است که امام صادق (ع) در مورد آن فرموده است: «رحم الله عبداً اجتمع مع آخر فتذکر امرنا؛ (12) خدا رحمت کند بنده ای را که با دیگری همراه شود تا دستورات ما را تبلیغ کند.»

راهنمایی و تذکر

هر دانشمندی هر چند توانمند باشد، ولی معمولاً دارای ضعف‌هایی است که باید آن‌ها را به قوت مبدل کند و اگر نقاط قوتی دارد باید بر آن‌ها تکیه زند تا بهتر مورد استفاده قرار گیرد.

امام صادق (ع) در ضمن جلسات درسی و یا در ملاقات‌ها و نشست‌های علمی که با شاگردان خود داشت، هرگاه به نقاط ضعف یا قوت آنان برخورد می کرد، هرگز از یادآوری آن خودداری نمی کرد.

«یونس بن یعقوب» می گوید: امام پس از آن که عده ای از شاگردان خود را برای بحث و گفت و گو با یک مرد شامی فرا خواند، در پایان به نقاط مثبت و منفی که در آن‌ها دیده اشاره کرد.

درباره «حمران بن اعین» فرمود: ای حمران! تو در بحث سخنی را دنبال می کنی و به نتیجه می رسی. به «هشام بن سالم» فرمود: می خواهی بحث را دنبال کنی و به نتیجه برسانی، اما توانایی نداری و به «قیس بن ماصر» فرمود: به هنگام گفت و گو به حق نزدیک می شوی، اما از اخبار و احادیث پیامبر (ص) بسیار فاصله می گیری و حق را به باطل می آمیزی، اما بدان که سخن حق اگرچه کم باشد تو را از باطل بسیار بی‌نیاز خواهد ساخت. سپس افزود تو در بحث و مناظره جنب و جوش خوبی داری و بسیار حاذق و هوشیار هستی.

یونس بن یعقوب می گوید: یک لحظه با خود گفتم که شبیه همین سخنان را آن بزرگوار به «هشام بن حکم» خواهد گفت، اما دیدم که حضرت وی را مخاطب قرار داد، فرمود: ای هشام! پیش می روی، اما همین که می خواهی به زمین بخوری، ناگهان پرواز می کنی و مثل تو باید با مردم سخن بگویند. از لغزش پرهیز که امداد شفاعت پشت سر تو خواهد بود. (13)

تبلیغ عملی

مؤثرترین روش امامان در عرصه تبلیغ، «تبلیغ عملی» بود، یعنی خود، تجسم عالی ارزش‌های انسانی که همان ارزش‌های قرآنی است، بودند.

قرآن کریم آنان را که از خوبی‌ها می‌گویند، اما خود به آن عمل نمی‌کنند، مورد نکوهش قرار می‌دهد: «یا ایها الذین آمنوا لم تقولون مالا تفعلون...»؛ (14) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا چیزی را که انجام نمی‌دهید به مردم می‌گویید...».

بیش‌ترین سفارش امامان در عرصه تبلیغ دین دعوت به تبلیغ عملی بوده است. از نگاه آنان عالم واقعی کسی است که عملش همراه با عمل باشد. امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید: «العالم من صدّق فعله قوله و من لم یصدّق فعله قوله فلیس بعالم»؛ (15) عالم کسی است که رفتار او گفتارش را تصدیق کند و هر کس که کردار او سخن وی را تصدیق نکند او بر خلاف گفته‌اش باشد، عالم نخواهد بود.»

آن گوهر نبوی در روایت دیگر می‌فرماید: «کونوا دعاة الناس باعمالکم و لاتکونوا دعاة الناس بالسنتکم»؛ (16) مردم را با عمل خود به نیکی‌ها دعوت کنید نه با زبان خود. تأثیر عمیق دعوت عملی از این جا سرچشمه می‌گیرد که هرگاه شنونده بداند که گوینده از صمیم جان سخن می‌گوید و به گفته خودش صد در صد اعتقاد و ایمان دارد، گوش جان خود را بر روی سخنان گوینده می‌گشاید، زیرا سخن کز دل برآید لاجرم بر دل نشیند.

دانش اندوزی

یکی از روش‌های تربیت، تقویت «بنیه‌های علمی» است. ارزش علم و اهمیت آن زمانی مشخص می‌شود که در زندگی انسان‌ها راه پیدا کند و آن را جهت دهد. آیین اسلام از روزی که در صحنه تاریک گیتی درخشید، فکر و اندیشه انسان‌ها را با نور ایمان روشن ساخت و برای زدودن غبار جهل و نادانی از وجود انسان‌ها، تلاش بی‌وقفه‌ای را آغاز کرد. بزرگ رهبر جهان اسلام حضرت محمد (ص) در طول 23 سال از آغاز بعثت تا روز رحلت همواره مسلمانان را به کسب دانش ترغیب و تشویق می‌کرد و نادانی را زمینه ساز بدبختی و هلاکت مردم به شمار می‌آورد.

از منظر امام صادق (ع) علم و دانش نوری است که خداوند به قلب و دل هر کس بخواهد، می‌تاباند، به همین

جهت با عبارات حکیمانه ای شیعیان را به کسب دانش ترغیب می کرد.

آن بزرگوار در این زمینه چنان گام برداشته است که برای شیعیان واقعی در این مورد جای عذر باقی نگذاشته است، آن حضرت در معروفترین کلام خود فرمود: «لست احبّ ان اری الشاب منکم الا غادياً فی حالین. اما عالماً او متعلماً فان لم يفعل فرط فان فرط ضیع فان ضیع اثم و ان اثم سکن النار؛ (17) دوست ندارم جوانی از شما را ببینم مگر این که در یکی از این دو حالت صبح کند: یا عالم و دانشمند باشد و یا متعلّم و آموزنده، پس اگر در هیچ کدام از این دو حالت نبود، کم کاری و کوتاهی کرده و در این صورت عمر خود را ضایع نموده و گناهکار است و نتیجه آن عذاب الهی خواهد بود.»

استفاده از فرصت ها

در زندگی گاهی فرصتهایی به دست می آید که شخص می تواند از آن ها به بهترین وجه برای بهبودی دین و دنیای خویش بهره گیرد. آینده نگری افراد سبب می شود که این فرصت های طلایی عاملی برای ارتقاء جایگاه معنوی و اجتماعی آنان گردد. بدون شک از دست دادن چنین فرصتهایی موجب غم و اندوه و پشیمانی خواهد بود. امام صادق (ع) در این زمینه می فرماید: «هر کس فرصتی را به دست آورد و با این حال منتظر فرصت بهتری باشد، روزگار آن فرصت به دست آمده را از دستش خواهد گرفت، زیرا عادت روزگار سلب فرصت ها و رسم زمانه از بین بردن موقعیت هاست.» (18)

ارتباط با نسل جوان

در تربیت اسلامی هدایت و تربیت نسل جوان اهمیت ویژه ای دارد. نوجوان قلبی پاک و روحی حسّاس و عاطفی دارد. ارزش دادن به شخصیت بهترین شیوه ارتباط با اوست.

شیوه رفتاری امام صادق (ع) با جوانان و دستورالعمل های آن حضرت برای جوانان و نحوه برخورد با آنان بهترین راهکار برای حل مشکلات و معضلات این قشر است.

آن حضرت به سرعت پذیرش سجایای اخلاقی در نوجوانان و جوانان توجه نموده و این چنین می فرماید: «علیک بالاحداث فانهم اسرع الی کلّ خیر؛ (19) بر تو باد تربیت نوجوان، زیرا آنان زودتر از دیگران خوبی ها را می پذیرند.»

رعایت اعتدال

رعایت اعتدال و میانه روی در مخارج و درآمدهای زندگی موجب آسایش و رفاه خواهد بود. اسراف و تبذیر موجب اختلال در نظم زندگی می شود و چه بسا جایگاه اجتماعی فرد را متزلزل نموده و گاهی آبرو و شخصیت او را از بین می برد. معمولاً افرادی که ولخرجی می کنند، دچار تنگدستی و فقر می شوند و سپس از گردش ناملایم روزگار شکایت می کنند. امام صادق (ع) می فرماید: «انَّ السَّرْفَ يورث الفقر و انَّ القصد يورث الغنى؛ (20) اسراف موجب فقر و میانه روی سبب توانایی است.»

تدبّر در قرآن

آخرین آموزه ای که از منظر امام جعفر صادق (ع) در این نوشتار بدان اشاره می شود، «تدبّر در آیات قرآن» است که هر فرد مسلمان بنابر ظرفیت وجودی خود می تواند از معارف، حقایق و آموزه های قرآن استفاده کند. امام معصوم (ع) با بیان های متنوع، هدایت جویان کوی سعادت را به اندیشیدن در آیات قرآن تشویق و ترغیب نموده اند.

صادق آل محمد (ص) در این زمینه می فرماید: «همانا قرآن جایگاه نور هدایت و چراغ شب های تار است. پس شخص تیزبین باید در آن دقت کند و برای بهره مندی از پرتوش نظر خویش را بگشاید، زیرا که اندیشیدن مایه زندگانی و حیات قلب انسان بیناست.» (21)

آن حضرت در جای دیگر در مورد عدم شتاب در قرائت قرآن و توجه به محتوای آیات می فرماید: «قرآن با سرعت نباید خوانده شود و باید شمرده و با آهنگ خوش خوانده شود و هرگاه به آیه ای که در آن نام بهشت برده شده است، گذرکنی آن جا بایست و از خدای عزّ و جلّ بهشت را بخواه و چون به آیه ای که در آن دوزخ ذکر شده است، گذر کنی، نزد آن نیز توقف کن و از دوزخ به خدا پناه ببر.» (22)

ششمین اختر تابناک آسمان ولایت هم چنان که مردم را به تدبّر و تعمّق در آیات قرآن سفارش می کرد، خود نیز در آیات قرآن تدبّر و دقت می نمود و در این راه از خداوند مّنان توفیق طلب می کرد. آن حضرت وقتی قرآن را در دست می گرفت، قبل از تلاوت به خداوند عرض می کرد: «خدایا! من شهادت می دهم که این قرآن از جانب تو بر پیامبر نازل شده است و کلام توست که بر زبان پیامبر جاری شده است. خدایا نگاه کردم را در قرآن عبادت و

قرائتم را تفکّر و فکر کردنم را عبرت پذیری قرار بده و نیز قرائتم را قرائت بدون تدبّر قرار مده و به من توفیق ده که در آیات قرآن و احکام آن تدبّر کنم بدرستی که تو مهربان و رحیم هستی.» (23)

پی نوشت ها:

1. الارشاد، شیخ مفید، ج 2، ص 174.
2. مروج الذهب، علی بن حسین مسعودی، ج 3، ص 297.
3. بحارالانوار، علامه مجلسی، ج 68، ص 393.
4. معانی الاخبار، شیخ صدوق، ص 191.
5. مأخذ قبل، ج 71، ص 395.
6. كشف الغمّه فی معرفة الاثمه، علی بن عیسی اربلی، ج 2، ص 208.
7. سوره عنکبوت، آیه 61.
8. بحارالانوار، ج 3، ص 41.
9. همان، ج 22، ص 431.
10. اصول کافی، کلینی، ج 1، ص 25.
11. مأخذ قبل، ج 47، ص 217.
12. همان، ج 1، ص 200.
13. احتجاج طبرسی، ج 2، ص 122.
14. سوره صف، آیه 2.
15. اصول کافی، ج 1، ص 18.
16. بحارالانوار، ج 5، ص 198.
17. همان، ج 1، ص 170.
18. تحف العقول، ابن شعبه حرّانی، ص 381.
19. اصول کافی، ج 8، ص 93.
20. من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج 3، ص 174.
21. مأخذ قبل، ج 4، ص 400.
22. همان، ج 4، ص 422.
23. بحارالانوار، ج 89، ص 207.